

سوگند در

ایران و جهان

پروفسور سیدحسین امین

□ تعریف

یا پدر و مادر یا معشوق و محبوب، معمول و مرسوم بوده است. برای مثال، حافظ به جاه و جلال پادشاه وقت (شاه شجاع، فرزند مبارزالدین محمد، از آل مظفر) چنین سوگند خورده است: قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع که نیست با کسم از بهر مال و جاه نزاع و دیگری به استقبال رودکی خطاب به معشوق خود سروده است: قسم به جان تو خوردن، نشان بی ادبی ست به خاک پای تو کان هم عظیم سوگند است

سوگند، اخبار شفاهی شخص حقیقی با گواه گرفتن خداوند، در مقام ادای شهادت است و در نظام‌های مختلف حقوقی، از سوی گواه یا مدعی / شاکی یا از سوی مدعی علیه / مشتکی عنه یا در خارج از دادگاه در مقام دادن و گرفتن قول در مقام قبول التزام و تعهد به انجام یا ترک عملی یا ابراز وفاداری نسبت به مرام یا نظام یا گروه یا فرد معین در مراسم معین و با تشریفات خاص به عمل می‌آید. در حقوق سنتی از آن به «یمین» و «حلف» به معنی سوگند و قسم^۱ و تحلیف به معنی سوگند دادن^۲ تعبیر می‌شود. به این ترتیب سوگند گاهی از ادله‌ی اثبات دعوی و گاهی از مقوله‌ی تأکید بر التزام است. چنان که در حقوق موضوعه‌ی ایران برابر ماده‌ی ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی گواهان پیش از ادای شهادت «سوگند یاد می‌کنند که تمام حقیقت را بگویند و غیر از حقیقت چیزی نگویند».

اعراب پیش از اسلام

در عصر جاهلیت، ابو جهل، به رسم بت پرستان مکه، به لات و عزی سوگند خورد^۴ و اعراب علاوه بر بت‌ها، به نام و شرف قبیله‌ی خود یا شمشیر هم سوگند می‌خوردند.^۵ مهم‌ترین موارد تاریخی سوگندهای دسته‌جمعی در عصر جاهلی، نخست «حلف‌المطیین» در میان قریش در مکه بود.^۶ دومین سوگند دسته‌جمعی مهم «حلف الفضول» بیست سال پیش از بعثت با مشارکت پیامبر اسلام صورت گرفت.^۷

«حلف الفضول» به اندازه‌ی اهمیت داشت که وقتی ولید (برادرزاده‌ی معاویه) والی مدینه، راه زورگویی گرفت، امام حسین (ع) به او گفت: اگر حق مرا پایمال کنی، در مسجد رسول به «حلف الفضول» دعوت می‌کنم.^۸ از مضمون کلام امام حسین (ع) برمی‌آید که مقصود از حلف، سوگند خوردن در بستن پیمان اتحاد و اتفاق برای احقاق حق و مبارزه با ظلم است. لذا روایت «لا حلف فی الاسلام»^۹ را باید به سوگند خوردن‌های دسته‌جمعی عصر جاهلی که اغلب برای متحد شدن قبایل در قتل و غارت و کین‌توزی و انتقام‌جویی صورت می‌گرفت، ناظر دانست، یا آن که آن را به سوگند دروغ تخصیص داد: چنان که حلف در قرآن مجید، اکثر برای سوگندهای دروغین ذکر شده و به منافقان نسبت داده شده است.^{۱۰} در یک مورد که حلف به مؤمنان نسبت داده شده است، کفارهی شکستن سوگند، طعام یا لباس دادن به دو نفر یا آزاد کردن یک بنده یا گرفتن سه روز روزه معین شده است.^{۱۱}

پیشینه‌ی تاریخی

سوگند در همه‌ی فرهنگ‌ها و نظام‌های دینی، سیاسی و حقوقی رایج بوده است و بویژه در روزگاران گذشته که اسناد مکتوب و امضای آن‌ها به اندازه‌ی امروز شایع نبوده است، از اهمیت بیش‌تری برخوردار بوده است.

پیش‌آریایان

تمدن پیش‌آریایی ایلام، منسجم‌ترین نظام حقوقی پیش از هخامنشیان را در فلات ایران داشت. در این نظام حقوقی، برابر لوحه‌های سنگی متعلق به هزاره‌ی سوم و دوم پیش از میلاد، قراردادهای حقوقی با سوگند به نام یکی از خدایان مثل انشوشیناک Inshushinak (خدای شوش) تضمین می‌شده است.^۳ در تمام نظام‌های خصوصی بدوی و مترقی، شخص به اشیا و اشخاصی که نزد او مقدس و محترم و محبوب‌اند، سوگند یاد می‌کند. چنان که در زبان فارسی چه در محاوره و چه در نظم و نثر، سوگند خوردن به جان عزیزان، اعم از مقدسین و مقدسات یا جقه‌ی پادشاه یا سر امیر و وزیر

در نظام حقوقی ایران باستان، سوگند خوردن مرسوم بوده است، چنان که در جنگ رستم و اسفندیار، این دو قرار گذاشتند که سپاهیان خود را از جنگ معاف دارند و در عوض تنها دو سردار با یکدیگر جنگ تن به تن کنند و هر یک دیگری را کشت، لشکریان تحت فرماندهی سردار مقتول، به فرماندهی سردار قاتل تسلیم شوند. پس «یکدیگر را سوگند دادند و پیمان گرفتند.»^{۱۲}

در کتاب‌های حقوقی زرتشتیان، بخش ویژه‌ی به «گواهی و سوگند» اختصاص داشته است.^{۱۳} به این معنی که هرگاه کسی در دعوی خود بدون بینه‌ی خارجی اصرار می‌ورزیده است، به او پیشنهاد می‌کرده‌اند که برای اثبات حقانیت خود به آزمایش ایزدی Varanake «داوری» تن در دهد و خدا را «یاور» خود بگیرد. این آزمایش یا «ورگرم» (عبور از آتش یا فروبردن بازو در آب جوشان) یا «ورسرد» (عبور از رودخانه در هوای سرد یا خوردن سم مهلک) بود.^{۱۴} نیز در فرهنگ اساطیری ایران باستان همیشه در آتش رفتن و به سلامت بیرون آمدن از آن، نشانه‌ی صدق دعوی تلقی می‌شده است، چنان که فردوسی در قصه‌ی سودابه و سیاوش، طرح گذر کردن سیاوش را از آتش برای اثبات دعوی خود در برابر تهمت سودابه چنین به نظم کشیده است:

ز هر دو سخن چون بر این گونه گشت

بر آتش ببايد یکی را گذشت

چنین است سوگند چرخ بلند

که بر بی‌گناهان نیاید گزند

مگر ک‌آتش تیز پیدا کند

گنه‌کرده را زود رسوا کند^{۱۵}

فردوسی در شاهنامه هم چنین از در آتش رفتن زرتشت و نسوختن او در آتش در مقام اثبات حقانیت او سخن گفته است. همین معیارها در ادیان ابراهیمی نیز مقبول بوده و به احتمال بسیار به آتش افکندن ابراهیم خلیل به دست نمرود، تنها از باب تعذیب و اعدام نبوده است، بلکه نوعی آزمایش صدق یا کذب دعوی او بوده است، چنان که مولوی گوید:

چون خلیلی، هیچ از آتش مترس

من ز آتش صد گلستان می‌کنم^{۱۶}

مولوی هم چنین در **مثنوی** می‌گوید:

در تو نمرودی ست در آتش مرو

رفت خواهی، اول ابراهیم شو^{۱۷}

هم چنین نسوختن ابومسلم خولانی که اسود عنسی او را در آتش افکند،^{۱۸} یا تقابل ملحدی با موحدی به نقل مولانا و مشابیهات آن در سلامان و ایسال به نقل عبدالرحمن جامی و بعدها روبروشدن حسین علی شاه اصفهانی با پادری مارتین انگلیسی در اصفهان از آن دست است.^{۱۹} بنابراین چنین می‌نماید که در کیش زرتشتی به شهادت طلبیدن ایزدان و ادای سوگند از بابت تأکید در صحت دعوی بوده است. اما علاوه بر آن، از سوگند برای تأکید در تعهد و بلکه مطلق کلام هم استفاده می‌شده است، چنان که در کارنامه‌ی انوشیروان به خامه‌ی خود او آمده است که:

«سوگند که دوست‌داشتنی‌ترین ویژگی‌ها در نزد ما و نیک‌خواه‌ترین ایشان به ما، آن کسی است که در حق رعیت از رفتار ما پیروی کند».^{۲۰}

فرهنگ غربی / یونانی / رومی / مسیحی

در نظام‌های حقوقی و دینی غربی / یونانی / رومی نیز، سوگند یاد کردن از دیرباز در قضایای حقوقی، اداری، سیاسی، حرفه‌ای، قضایی و دینی مطرح بوده است. یعنی وقتی که مدعی برای اثبات حقانیت دعوی خود، از اقامه‌ی بینه‌ی مطلوب عاجز بود، با گواهی گرفتن خدا یا رب النوع یا بت مقبول خود به آزمایش ایزدی که در زبان اروپایی به آن اوردال Urteil می‌گفته‌اند، متوسل شده و از آن وجود قدسی می‌خواستند که راستگو را تأیید و دروغگو را مفتضح کند. افزون بر این گونه سوگندها که در جریان دادرسی معمول بود، در یونان باستان، سوگند یاد کردن به ارباب انواع در مقام تعهدات حرفه‌ای هم چون سوگند پزشکی بقراط معمول بوده است. ویل دورانت متن سوگندنامه‌ی بقراط را چنین ضبط کرده است:

«من به آپولون... و به همه‌ی خدایان سوگند یاد می‌کنم و آنان را گواه خویش می‌سازم که تا آن‌جا که بتوانم و آگاه باشم، به این سوگندنامه وفادار مانم، استاد خویش را در این فن با پدر برابر شمارم... تا آن‌جا که بتوانم و آگاه باشم، دردهای بیماران را درمان خواهم کرد... اگر از من بخواهند که کسی را زهر دهم، هرگز چنان نخواهم کرد... داروی سقط جنین به زنان نخواهم داد... هیچ‌گاه کسی را به عمد، زیان و آسیب نخواهم رساند... هرگاه طی معالجت خود یا در ضمن روابطی که با دیگران دارم، بر نکته‌ی آگاه شوم که پنهان کردن آن واجب باشد، هرگز آن را فراموش نخواهم کرد».^{۲۱}

در کیش عیسوی نیز سوگند خوردن چه در جریان محاکمه و چه در تشریفات مذهبی و اداری معهود بود، به طوری که تا ۱۹۳۸، تمام میسیونرهای کاتولیک باید «سوگند تسلیم Oath of Submission» یاد می‌کردند.^{۲۲}

نظام حقوقی انگلیس

در حقوق کامن لا Common Law سوگند در جریان دادرسی به هنگام ادای شهادت و هم در خارج از دادگاه مورد استفاده است. ۱- در خارج از دادگاه، سوگند نزد محضردار مخصوصی که به او مجری قسم Commissioner of Oath گویند، انجام می‌شود و سپس متن سوگندنامه به امضای شخص و نیز به مهر و امضای مجری قسم می‌رسد و به‌عنوان قسم‌نامه Affidavit از اعتبار قضایی بیش‌تری برخوردار است.

۲- سوگند دادن شهود از سوی دادگاه در جریان دادرسی، چنین است که هر شاهد (اگر معتقد به یکی از ادیان است) باید در حالی که دست بر روی کتاب آسمانی مورد قبول خود می‌گذارد، به خداوند سوگند یاد کند (و اگر معتقد به ادیان نیست باید موكداً بیان کند) که «حقیقت را می‌گویند، تمام حقیقت را می‌گویند و چیزی را جز حقیقت نمی‌گویند». پس از ادای سوگند یا تعهد موكداً به حقیقت‌گویی، اگر شاهد در محضر دادگاه شهادت دروغ بدهد، به جرم شهادت دروغ Perjury مستقلاً از سوی دادگاه محبوس خواهد شد.

۳- به علاوه، در بیرون از جریان دادرسی برای تصدی بعضی از مشاغل مثل سمت وکیل دادگاه‌های عالی و یا قضاوت دادگستری، نامزد این شغل باید در دادگاه عالی سوگند یاد کند.

نظام حقوقی فرانسه

در حقوق فرانسه سوگند بر دو قسم است:

۱- سوگند قضایی یعنی Le serment affirmatif ou probatoire

۲- سوگند تعهد یا یمین العقد. Le Serment Promissoire

سوگند در اسلام

سوگند از جهت مفهومی و کاربرد، در نظام دینی و حقوقی اسلام، تفاوتی با حوزه‌های دینی و تمدنی و حقوقی پیش از اسلام ندارد، جز این که سوگند در نظام حقوقی اسلام که از آن به حلف، استحلاف، تحالف، محالفه، یمین و امثال آن تعبیر می‌شود، تابع شروط خاصی است که در صورت عدم رعایت آن‌ها، فاقد ارزش و اعتبار قضایی خواهد بود.^{۲۳} چنان که نمونه‌یی از آن درباره‌ی کسی که از امام جعفر صادق (ع) نزد منصور دوانیقی سعایت می‌کرد و در حضور امام قسم یاد کرد، در **شواهد النبوة** جامی گزارش شده است.^{۲۴}

حقوق اسلامی

مهم‌ترین خصوصیت سوگند در فقه اسلامی آن است که سوگند باید به نام «الله» باشد. یعنی سوگند شرعی برای مسلمان و ذمی منعقد نمی‌شود مگر با لفظ جلاله‌ی «الله» و یا اسمای خاص الهی مانند رحمان، قدیم، قیوم، مهیمن و امثال آن‌ها که مخصوص حضرت حق تعالی می‌باشد و دیگری در آن‌ها شریک نیست.^{۲۵} پس قسم به قرآن مجید (یا دیگر کتب آسمانی) یا به کعبه یا به نام پیامبر اسلام یا نام‌های امامان معصوم یا دیگری سوگند شرعی محسوب نمی‌شود. دلیل بر لزوم لفظ جلاله در سوگند شرعی دوگانه است:

الف- آیات قرآنی «فیقسمان بالله» (پس به خدا سوگند خوردند) و «اقسموا بالله جهد ایمانهم» (سخت‌ترین سوگندهاشان را به نام خدا می‌خوردند).

ب- حدیث نبوی «لا تحلفوا الا بالله» (جز به خدای سوگند نخورید) و صحیح‌هی سلیمان بن خالد از امام صادق: «الیهود و النصارى و المجوس لا یحلفون الا بالله» است.

لذا کسی که قسم یاد می‌کند، باید صریحاً لفظ جلاله‌ی «الله» را بگوید و به آن قسم یاد کند.^{۲۶} تغلیظ در تحلیف مستحب است.^{۲۷}

اختلاف اعتبار در انواع سوگند

۱. اختلاف اعتبار سوگند در مسائل مصداقی و حکمی:

سوگند فقط در مسائل مصداقی و موضوعی قاطع دعوی است و در مسایل حکمی اعتبار ندارد، زیرا بیان حکم دعوی از جمله قواعد آمره است و باید براساس صریح قانون یا روح قانون اعلان شود و در اختیار متداعیین نیست.

۲. اختلاف اعتبار سوگند در حقوق الناس و حقوق الله:

سوگند در حقوق الناس به حکم قاعده‌ی معروف «البینه علی

المدعی و الیمین علی المنکر» (اثبات دعوی بر عهده‌ی مدعی است و منکر را سوگند، کفایت است) و منطوق حدیث نبوی «انما اقضى بینکم بالبینات و الایمان» (من در میان شما بر مبنای شهادت شهود و سوگند قضاوت می‌کنم) یکی از ادله‌ی اثبات دعوی است. یعنی در حقوق الناس، چه حقوق مالی (قرارداد و شبه‌قرارداد) و چه حقوق خانواده (طلاق و خلع و رجوع) سوگند یکی از ادله‌ی اثبات دعوی است. اما در حقوق الله (حدود یا رؤیت هلال) سوگند . حتا به ضمیمه شهادت شاهد واحد . از ادله‌ی اثبات نیست.^{۲۸}

کاربردهای حقوقی سوگند

کاربردهای سوگند در زمینه‌های مختلف حقوقی به شرح زیر قابل تقسیم است:

اول . سوگند به مثابه‌ی یکی از ادله‌ی

اثبات دعوی

الف . سوگند مستقل از بینه

نوع اول سوگند به قاعده‌ی «البینه علی المدعی و الیمین علی المنکر»، به مثابه‌ی یکی از ادله‌ی مستقل اثبات دعوی است که اگر مدعی به آوردن بینه (شهود) قادر نباشد، حق دارد از قاضی بخواهد که مدعی‌علیه را قسم دهد. در تحلیف مدعی‌علیه به درخواست مدعی به وسیله‌ی قاضی، سه مورد قابل پیش‌بینی است:

۱. قسم ابتدایی منکر: در این مورد مدعی علیه (خواننده) بر صحت انکار خود قسم یاد می‌کند که در این صورت، دعوی ساقط می‌شود و پرونده فیصله یافته و حکم قضیه مختوم پیدا می‌کند.^{۲۹}

۲. قسم مردوده، در این مورد، مدعی علیه که به او تکلیف سوگند شده است، سوگند را به مدعی رد می‌کند. در این صورت، اگر مدعی بر صحت ادعای خود قسم یاد کرد، مدعای او ثابت می‌شود و اگر مدعی هم از قسم خوردن امتناع کرد، ادعای او ساقط می‌شود و پرونده با صدور حکم برائت ذمه‌ی مدعی علیه فیصله می‌یابد.^{۳۰}

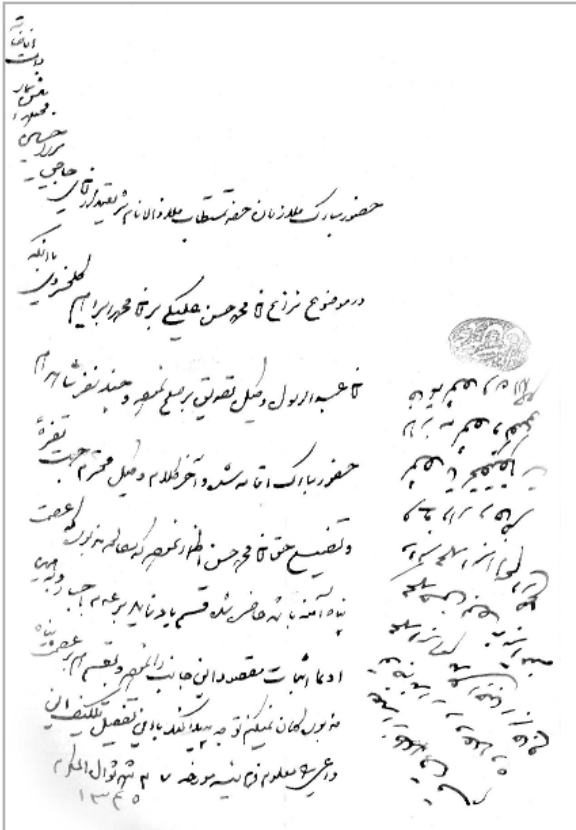
۳. در صورت سوم، مدعی علیه به کلی نکول می‌کند، یعنی نه خود قسم یاد کند و نه قسم را به مدعی رد می‌کند. در این صورت، برابر قول جمعی از فقیهان، به مجرد امتناع مدعی علیه از سوگند، حق مدعی ثابت می‌شود و حاکم باید به نفع او حکم صادر کند و به قول عده‌یی دیگر از فقیهان، پس از نکول مدعی علیه، قاضی باید رأساً مدعی را به قسم دعوت کند و بنابراین نظر تنها پس از قسم خوردن مدعی، حکم به نفع او صادر می‌شود و اگر او نیز از قسم خوردن امتناع کرد، دعوی او ساقط می‌شود.^{۳۱}

ب . سوگند مدعی منضم به شاهد واحد

بینه‌ی شرعی در فقه قضایی به شهادت دو مرد عادل و یا یک مرد و دو زن (به حکم «و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یکونا رجلین فرجل و امرأتان») ثابت می‌شود. لیکن اگر مدعی نتواند دو شاهد مرد اقامه کند، می‌تواند با استفاده از شهادت یک نفر مرد، سوگند خود را به آن ضمیمه کند و به نفع خود حکم بگیرد. اما برای این که انضمام شهادت به سوگند، اعتبار شرعی داشته باشد، رعایت

تجدیدنظر است و ثانیاً سوگند استظهاری (به خلاف سوگند بتی که از طرف خواننده قابل رد به خواهان است) از طرف خواهان قابل رد به خواننده (وارث میت) نیست.

۲. سوگند بتی، مواردی است که دادگاه به تقاضای یکی از اصحاب دعوی، طرف او را که منکر حق اوست با صدور قرار اتیان سوگند محکوم می کند (مواد ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ ق. م. ا.). دادگاه تنها وقتی قرار سوگند صادر می کند که ادله‌ی قضایی (اقرار، سند، شهادت و امارات) برای صدور حکم در پرونده وجود نداشته باشد و گرنه، قرار رد تقاضای سوگند را صادر خواهد کرد. ۳۶ موضوع سوگند را دادگاه معین می کند



لایحه‌ی مربوط به قسم و حکم آن از هشتاد سال پیش (از اسناد کتابخانه‌ی امین الشریعه)

لایحه: در موضوع نزاع... وکیل محترم جهت طفره و تزییع حق... اظهار نموده که مصالحه‌ی مزبوره که عصمت پناه آمنه باشد، حاضر شده قسم یاد نماید بر عدم اجبار... ۲۷ سوال ۱۳۴۵ دستور قاضی:

بعد از طلاق، قسم توجه ندارد و علاوه محمدابراهیم مدعی اجبار بر حاج محمدحسن بوده نه بر آمنه؛ و اگر محمدابراهیم در صلح حرفی دارد، حاضر شود تا تحقیقات لازم شود و گفت و گو خاتمه شود.

حرره الاحقر - مهر: محمدحسین الحسینی

ترتیب تقدم شهادت بر سوگند، واجب است. یعنی مدعی نخست باید شاهد خود را حاضر کند و بعد از ادای شهادت شاهد چون شهادت یک شاهد کافی نیست، مدعی سوگند خود را برای رفع نقص آن به آن ضمیمه کند. اما اگر مدعی ابتدا سوگند بخورد و بعد شاهد شهادت دهد، بینه‌ی شرعیه منعقد نمی شود. ۳۲

ج. سوگند مدعی منضم به بینه‌ی شرعیه در دعوی بر میت

در دعوی بر میت، مدعی پس از اقامه‌ی شهود باید قسم نیز یاد کند که حق در ذمه‌ی مدعی علیه باقی است و آن را دریافت نکرده است. ۳۳ به نظر بعضی از فقیهان، سوگند منضم به بینه نه تنها در مورد میت بلکه هم چنین در هر موردی که مدعی علیه «شبه میت» باشد (مانند غائب مجهول الاثر، طفل و دیوانه) نیز حاکم است، زیرا در این گونه موارد، مدعی علیه مثل شخص مرده، قادر به دفاع از خود نیست. اما جمعی دیگر از فقیهان گفته اند که در موارد «شبه میت» تحلیف مدعی لازم نیست، لیکن قاضی باید به هنگام تأدیه محکوم به از محکوم له کفیل بگیرد تا اگر محکوم علیه غائب حاضر شد و بر محق نبودن مدعی، اقامه‌ی شهود کرد، بتواند حق خود را استرداد کند. ۳۴

د- حقوق جزا

بعضی جزئیات (مانند قتل خطا و قتل شبه عمد) نیز ممکن است با شهادت یک مرد به ضمیمه‌ی سوگند مدعی، حکم صادر شود و مستند آن حدیث «کان رسول الله یقضی بشاهد و یمین» است. به علاوه، در مورد قتل اگر ولی دم مقتول، پنجاه مرتبه قسم یاد کند که متهم قاتل عمدی است، قاضی به قاعده‌ی «قسامه» به قتل عمد حکم صادر می کند.

دوم. سوگند از نظر آیین دادرسی مدنی

سوگند بر دو قسم است:

۱. سوگند استظهاری، مواردی است که دادگاه رأساً از مدعی می خواهد که سوگند یاد کند. مهم ترین این موارد موردی است که دعوی بر میت اقامه شده باشد و ادله‌ی مدعی هم سند رسمی نباشد (ماده‌ی ۱۳۳۳) بلکه با اسناد عادی، اصل حدوث حق، بر دادگاه ثابت شده باشد که در این صورت، چون مدعی علیه فوت کرده و امکان اثبات سقوط آن تعهد و ادای آن حق از او سلب شده است و مدعی هم در حیات او اقامه‌ی دعوی نکرده است، در این جا دادگاه به خلاف قاعده‌ی استصحاب بقای حق (موضوع ماده ۳۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی)، پیش از صدور حکم به نفع مدعی، باید مدعی را سوگند دهد تا به بقای آن حق مطمئن شود (ماده ۱۳۳۳ قانون مدنی)، اتیان سوگند استظهاری مشروط به دو شرط است:

الف - وجود دلیل قبلی بر ثبوت حق بر ذمه میت.

ب - تردید در بقای حق.

ویژگی آن نیز این است که اولاً حکمی که مستند به سوگند استظهاری است (به خلاف حکم مستند به سوگند بتی) قابل

که برای مثال ممکن است وقوع یا عدم وقوع منشأ تعهد (مثل معامله) یا وجود یا عدم تعهد (دین)، یا بقای یا سقوط تعهد (بازپرداخت یا عدم پرداخت دین) یا نفی علم نسبت به موضوع دعوی باشد.^{۳۷} قسم باید صورت جلسه شود و به امضای دادرس دادگاه و منشی دادگاه و کسی که سوگند یاد کرده و کسی که تقاضای سوگند کرده است، برسد.^{۳۸} سوگند بتی که به اصطلاح قانون مدنی، قاطع دعوی ست (ماده ۱۳۳۱ ق. م.) و حکم مستند به سوگند، قابل پژوهش و فرجام نیست (حکم تمییزی شماره ۱۱۹۴ مورخ ۱۳۲۵/۷/۳ شعبه ۶ دیوان کشور، دانشنامه‌ی حقوقی، جعفری لنگرودی، ۵/۴۶/۴).

سوگند قضایی باید بعد از صدور قرار اتیان سوگند، ادا شود و در صورتی که قرار مقدماتی مذکور صادر نشده باشد، از لحاظ آیین دادرسی از درجه‌ی اعتبار ساقط است.

سوگند باید در جلسه‌ی دادگاه به دستور قاضی ادا شود و اگر کسی که باید سوگند بخورد به واسطه‌ی بیماری یا عذر دیگری از حضور در دادگاه معذور باشد، قاضی باید خود یا نماینده‌اش در محل مناسبی مثل بیمارستان حاضر شود (ماده‌ی ۴۶۶ آیین دادرسی مدنی). کسی که برابر قرار دادگاه قسم متوجه اوست، یا باید قسم یاد کند، یا قسم را به طرف دیگر رد کند. اگر قسم یاد نکند و رد قسم به طرف دیگر هم نکند، دادگاه به محکومیت او نسبت به ادعایی که تقاضای قسم بر آن شده است، رأی صادر خواهد کرد. (ماده‌ی ۱۳۲۸ ق. م.)

سوگند تعهدی

سوگند نسبت به تعهدات آینده، در برابر سوگند قضایی که در جریان دادرسی و در جهت اثبات اظهارات مدعی یا منکر نسبت به تعهدات سابق ادا می‌شود، سوگند ممکن است ناظر به امور آینده و به اصطلاح «یمین‌العقد» باشد و آن نیز بر دو قسم است:

الف. سوگند در حقوق تعهدات

هر شخص حقیقی در حقوق خصوصی ممکن است قبول تعهدات و التزامات شخصی خود را نسبت به دیگران با سوگند به خدا مؤکد کند. اما این‌گونه قسم به منطوق «و لاتجعلوا الله عرضه لایمانکم» مکروه است و از امام صادق (ع) روایت است که: به خدا نه به راست و نه به دروغ سوگند مخورید.^{۳۹} به این معنی که قسم خوردن به خدا استخفاف اوست و اگر دروغ باشد، حرام و اگر راست باشد، مکروه است. با وصف کراهت، از نظر حقوقی، شخصی می‌تواند در حقوق تعهدات جز در موارد استثنایی، تعهد خود را به فعل یا ترک فعل به قسم مؤکد کند. موارد استثناء، در احادیث زیر معین شده است:

۱- «ولا یمین لولد مع والده و لا للمملوک مع مولاه و لا للمراه مع زوج‌ها» = سوگند فرزند نسبت به پدر و سوگند نسبت به بنده از سوی مالک و سوگند نسبت به زن از سوی شوهر، بی اعتبار است.^{۴۰} یعنی اگر مالک سوگند یاد کند که هیچ‌گاه بنده‌ی را نمی‌فروشد و بعد به دلیلی بخواهد آن برده را بفروشد، برای او منعی نیست. همچنین سوگند به قطع رحم، باطل است، مثل این‌که اگر کسی سوگند یاد کند که اگر با همسرش آشتی کند یا اگر با خواهرش صحبت کند یا اگر به خانه‌ی برادرش برود، یا اگر در عزای فلان عضو

خانواده شرکت کند، همه‌ی اموال یا فلان مال او وقف این و آن باد؛^{۴۱} همچنین است اگر مردی حتا به تغلیظ و با لفظ جلاله، سوگند یاد کند که بعد از این برای خانواده‌اش هیچ هدیه‌ی نخواهد خرید، این سوگند به همین دلیلی بی اعتبار است؛^{۴۲}

۲- کسی که سوگند می‌خورد، تا مدت چهل روز حق دارد که مواردی را از موضوع تعهد خود استثنا کند.^{۴۳}

۳- سوگند در حال تقیه، مجاز ولی خالی از اعتبار است و نقض آن موجب کفاره‌ی یمین نمی‌شود.^{۴۴}

ب- سوگند در حقوق اداری

سوگند خوردن در حقوق اداری که از آن به «مراسم تحلیف» تعبیر می‌کنند، بخشی از مقررات آمره‌ی رسمی در حقوق اساسی و اداری ست که انجام آن پیش شرط لازم برای تصدی بعضی از مناصب رسمی و مشاغل دولتی یا خدمات عمومی و یا حرفه‌ی ست. برای مثال، قبل از برقراری نظام جمهوری اسلامی در ایران، اصل ۳۹ متمم قانون اساسی مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ق. مقرر می‌داشت که:

«هیچ پادشاهی بر تخت نمی‌تواند جلوس کند، مگر این که قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود و با حضور اعضای شورای ملی و سنا و هیات وزرا به قرار ذیل قسم یاد نماید»^{۴۵}

تحلیف احمدشاه قاجار، رضاشاه پهلوی و محمدرضاشاه پهلوی برابر مقررات مذکور با تشریفات ویژه به عمل آمد. در نظام جمهوری اسلامی نیز برابر اصل ۱۲۱ قانون اساسی ۱۳۵۸، رئیس‌جمهور منتخب باید در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ی که با حضور رئیس قوه‌ی قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود، به شرح متنی که در قانون اساسی مندرج است، «در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران» سوگند یاد کرده و متن سوگندنامه را امضا کند.^{۴۶} همچنین برای شروع به خدمت در مشاغل نمایندگی مجلس، قضاوت، عضویت هیات متصفه، پزشکی، وکالت دادگستری، کارشناسی رسمی و تعدادی دیگر از مشاغل مشابه باید مراسم تحلیف به عمل آید.^{۴۷}

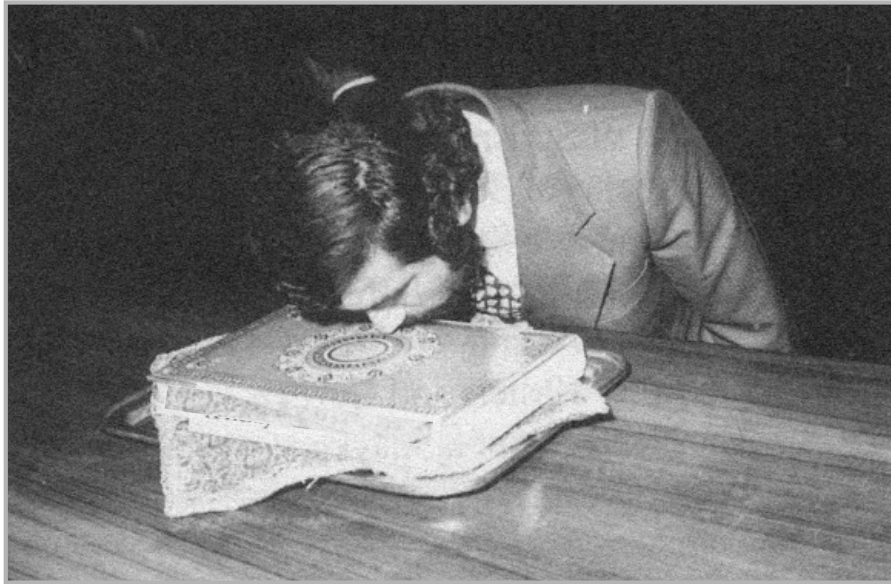
در عرف اداری ایران، تحلیف در برابر قرآن مجید با سوگند خوردن به نام خداوند انجام می‌شود. برابر اصل ۶۷ قانون اساسی ۱۳۵۸، نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید در نخستین جلسه‌ی مجلس «در برابر قرآن مجید» به «خدای قادر متعال» سوگند یاد کنند،^{۴۸} ولی نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد می‌کنند.^{۴۹}

پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، نمایندگان مجلس شورای ملی، با قرآن مذهب خوش جلدی که ابوالحسن حایری‌زاده آن را از خاندان عبدالرضاخان یزدی ستانده و به وسیله‌ی ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده‌ی اقلیت مذهب زرتشتیان به کتابخانه‌ی مجلس هدیه کرده بود، مراسم تحلیف را به جای می‌آورده‌اند و به همین دلیل شاعری به طنز گفته است:

حائری‌زاده که قرآن خوانین را برد

نزد کیخسرو در پارلمان‌اش بسپرد

گفت با جمع وکیلان که پی حفظ وطن



جوان ترین قاضی دادگستری پیش از انقلاب در مراسم تحلیف در تالار تشریفات وزارت دادگستری، قرآن مجید را می بوسد.

مجید» با عبارت «کتاب آسمانی» - که اعم از قرآن مجید است - مورد انتقاد شدید و مخالفت جدی فقیهان و مراجع تقلید شیعه قرار گرفت و در نهایت، بر اثر پافشاری آیت الله خمینی، دولت در آذر ۱۳۴۱ تصویب نامه‌ی خود را لغو کرد.^{۵۳} هم چنین برابر ماده‌ی ۲۱ آیین نامه‌ی اجرایی قانون استخدام قضات مصوب دی ۱۳۶۴، هر کس که در جمهوری اسلامی به منصب قضا منصوب شود، باید چنین قسم یاد کند:

«من به عنوان قاضی در محضر قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خدای قادر متعال سوگند یاد می کنم که به پیروی از پیامبر گرامی اسلام و ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام و استمداد از ارواح طیبه‌ی شهدای اسلام، پاسدار حق و عدالت باشم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد نمایم که همواره در کشف حقیقت و احقاق حق و اجرای عدالت و قسط اسلامی در گرفتن حق از ظالم و بازگرداندن آن به صاحبش کوشا باشم و با تلاش پیگیر در مسند قضا در تحکیم مبانی جمهوری اسلامی و حمایت از مقام رهبری، دین خود را به انقلاب اسلامی ادا نمایم.»

سوگند در حقوق خانواده

چنان که پیش از این مذکور شد، سوگند در حقوق خانواده (طلاق، خلع و رجوع) از ادله‌ی اثبات دعوی محسوب می شود. به علاوه در موضوع ایلاء، سوگند خوردن به نام خداوند، یکی از شروط تحقق ایلاء می باشد.^{۵۴}

ایلاء موردی است که مردی به قصد اضرار به همسر دائمی مدخوله‌ی خود به نام جلاله سوگند بخورد که برای مدت ۴ ماه یا برای همیشه زناشویی و آمیزش جنسی با همسر خود را ترک می کند.^{۵۵} بعد از گذشتن ۴ ماه زن می تواند به حاکم شرع رجوع کند و حاکم شرع شکستن سوگند (و دادن کفاره برای شکستن سوگند) یا طلاق دادن زن الزام خواهد کرد و در صورتی که مرد بعد از چهارده ماه هیچ کدام از این دو شق را به انجام نرساند، قاضی می تواند او را حبس کند و اگر شوهر ایلاء کننده باز هم سرسختی نشان داد به حکم «الحاکم ولی الممتنع» زن را مطلقه کند.^{۵۶}

سوگند در تاریخ سیاسی

سوگند نه تنها به صورت «قوانین حاکمه» از جهت قواعد آیین دادرسی در اسلام مرسوم بوده است، بلکه در خارج از جریان دادرسی نیز به صورت داوطلبانه در بین افراد برای تاکید قول و قرار و الزام به تعهدات خصوصی و اجتماعی و زد و بندهای سیاسی معمول بوده است که در این صورت اغلب در مقام سوگند، «قرآن» را «مهر»

با همین مصحف قاچاق! قسم باید خورد.^{۵۰} یکی از مقاطعی که موضوع سوگند خوردن و تحلیف نمایندگان مردم موجب دخالت روحانیت شیعه در سیاست شد و مبارزات سیاسی ناشی از آن منجر به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ گردید، ماجرای انجمن های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ ش بود که کابینه‌ی اسدالله علم به دنبال سفر محمدرضا شاه به امریکا در فروردین ۱۳۴۱ ش در مقام اصلاح قانون انتخابات، در لایحه‌ی «انجمن های ایالتی و ولایتی» مصوب ۱۶ مهر ۱۳۴۱، هم زمان با حذف شرط سوگند به «کلام الله مجید» از مراسم افتتاحیه انجمن ها، دو شرط دیگر «مسلمان بودن و مذکر بودن رأی دهندگان و انتخاب شوندگان» را نیز از مقررات مربوط به انتخابات حذف کرد و بدین گونه اولاً، با حذف لزوم سوگند به قرآن و نیز حذف شرط مسلمان بودن در مقام اعطای آزادی به همه‌ی اقلیت های مذهبی (حتا اقلیت های غیررسمی) برآمد و ثانیاً، با حذف شرط مذکر بودن انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان به زنان حق رأی داد، تا آن جا که مربوط به اتیان سوگند است، ماده‌ی ۴۱ لایحه‌ی مذکور مقرر می داشت که:

«پس از ایراد نطق افتتاحیه... در حالی که اعضای انجمن و عموم حضار به احترام به پا خاستند، یک جلد کتاب آسمانی به جلسه می آورند و در مقابل جایگاه رییس قرار می دهند و ابتداء، رییس و سپس یک یک اعضای انجمن در مقابل کتاب آسمانی قرار گرفته و پس از بوسیدن کتاب آسمانی در حالی که دست راست خود را بر روی آن قرار داده «سوگندنامه»ی ذیل را بلند قرائت و سپس ذیل آن امضا خواهند نمود: «من که در ذیل امضا می کنم، خداوند را به شهادت می طلبم و به این کتاب آسمانی «سوگند» یاد می کنم تکالیف و وظایفی را که به عنوان عضو انجمن به من رجوع شده است، با کمال راستی، درستی، جد و جهد انجام بدهم.»^{۵۲}

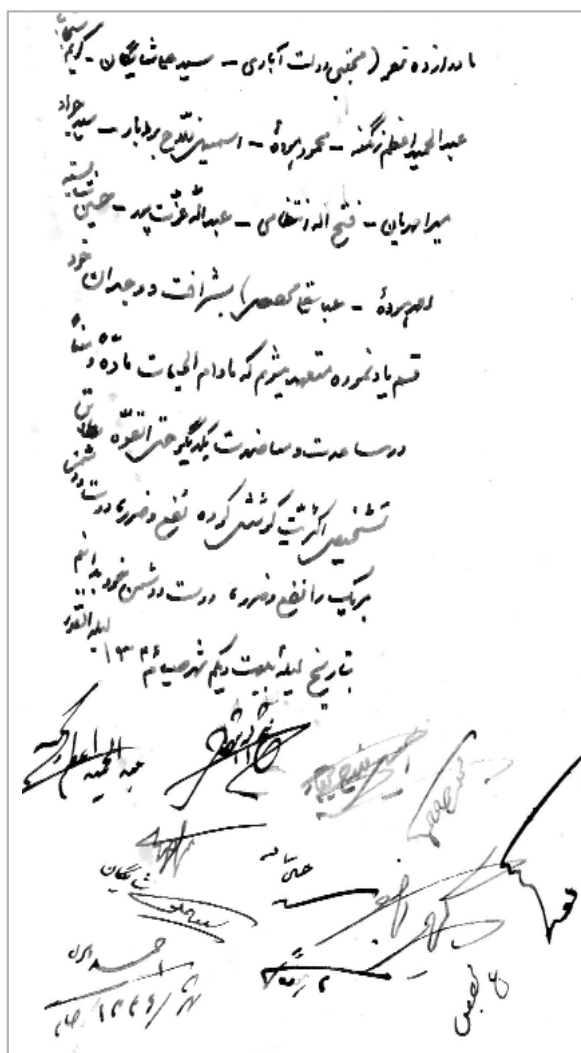
لایحه‌ی انجمن های ایالتی و ولایتی، مخصوصاً به علت حذف «قرآن مجید» از مراسم سوگند خوردن و جایگزین کردن «کلام الله

مقطعی که محمدرضا شاه پهلوی از جمهوری شدن ایران بیمناک بود، بر پشت قرآن مجید نوشته و امضا کرده و به دست پادشاه وقت داده بود که طی آن دکتر مصدق سوگند خورده بود که اگر مردم او را نامزد ریاست جمهوری کنند، وی به هیچ وجه آن را نخواهد پذیرفت.^{۶۱}

سندی دیگر نیز که به امضای مجتبی دولت آبادی، دکتر کریم سنجابی، دکتر سیدعلی شایگان، عبدالحمید اعظم زنگنه، محمود هوده‌ای، اسماعیل قلاح بردبار و جمعی دیگر از مشاهیر اواخر عصر رضاشاه و اوائل عهد محمدرضا شاه به تاریخ لیلة القدر (بیست و یکم ماه رمضان) ۱۳۴۶ هجری قمری (۱۳۰۶ شمسی) رسیده است و در همین گفتار گراور می‌شود، شاهدی دیگر از این نوع «قسم‌نامه» هاست. ■

پی‌نوشت‌ها

شصت و یک پی‌نوشت تفصیلی این مقاله در مرکز دایرة المعارف ایران شناسی / دفتر ماهنامه‌ی حافظ موجود است.



قسم‌نامه‌ی دوازده نفره از شصت سال پیش به امضای مجتبی دولت آبادی - دکتر سیدعلی شایگان - دکتر کریم سنجابی و ...

می‌کرده‌اند. چنان که در طول تاریخ اکثر وزیران از عصر خوارزمشاهیان به بعد برای اثبات وفاداری خود به پادشاه سوگند می‌خورده‌اند و مستند پادشاه برای از بین بردن وزیران اغلب همان شکستن سوگند بوده است که نمونه‌ی از آن فرمان جلال‌الدین خوارزمشاه علیه اتابک ازبک بود که قاضی عزالدین قزوینی فتوی داد که چون اتابک قسم خورده است که من به شاه غدر نکنم و اگر کنم، زخم مطلقه باشد زن اتابک را مطلقه شناختند.^{۵۷}

نمونه‌ی دیگر، محاکمه‌ی سعدالدین ساوجی به امر سلطان محمد خدابنده است که امیران آن پادشاه این وزیر را در بغداد محاکمه کردند و گفتند که وی سوگند خویش را در وفاداری به شاه شکسته و لذا واجب‌القتل است.

نمونه‌ی دیگر آن قسم خوردن قائم مقام فراهانی به نفع عباس میرزا نایب‌السلطنه و اولاد ذکور اوست.

باز نمونه‌ی دیگر، نمونه‌ی «قسم‌نامه»‌ی مورخ ۲۶ ذی‌الحجه‌ی ۱۳۲۳ هـ. ق. به خط احمد قوام‌السلطنه است که طی آن امضاکنندگان با قسم به «کلام‌الله مجید» تعهد کرده‌اند که برای برانداختن عین‌الدوله با هم متحد و متفق و «متصل و ملتصق» باشند.^{۵۸}

اگرچه اصالت بعضی از این اسناد بعدها به دلایل تاریخی مورد شبهه واقع شده است. اما در انقلاب مشروطیت، این قسم‌نامه‌ها به صورت «اسلحه‌ی سرد» یعنی ابزار جنگ تبلیغاتی مورد استفاده بوده است.^{۵۹}

پس از استبداد صغیر، در ربیع‌الاول ۱۳۲۷ ق که حاج علی‌قلی‌خان بختیاری (سردار اسعد) برای مبارزه با محمدعلی شاه قاجار از اروپا به ایران آمد، سران ایل بختیاری (به نمایندگی خسرو سردار ظفر، غلامحسین سردار محتشم، علی‌قلی سردار اسعد و نجف‌قلی صمصام‌السلطنه) و ایل قشقایی (به نمایندگی ابراهیم صولت‌الدوله سردار عشایر) قسم‌نامه‌ی دو جانبه در حمایت از مشروطیت امضا کردند که متن آن بر پشت جلد قرآن موجود، چنین است:

«این جانبان به این کلام‌الله مجید، قسم یاد می‌نماییم و خداوند عالم و امام زمان (عج) را شاهد و گواه می‌گیریم که از این تاریخ به بعد با حضرت اجل آقای صولت‌الدوله سردار عشایر - دام اقباله‌العالی - یکی و متحد باشیم و با دوست ایشان دوست و با دشمن ایشان دشمن باشیم و به اتفاق ایشان در خدمت شریفه‌ی مقدسه و مطاعه‌ی مشروطه کامله از دولت مطابق قانون اساسی متحداً و متفقاً دریغ نماییم، مشروط بر این که حضرت اجل آقای صولت‌الدوله سردار عشایر هم همین قسم قسم یاد فرمایند و ظهر قرآن مجید را مهر فرموده ارسال دارند. و الله علی بالقول وکیل. ربیع‌الاول ۱۳۲۷. خسرو سردار ظفر ابراهیم (صولت‌الدوله) - غلامحسین سردار محتشم - علی‌قلی سردار اسعد - نجف‌قلی صمصام‌السلطنه».^{۶۰}

باز نمونه‌ی دیگر قسم‌نامه‌ی به خط سیدمحمد صادق طباطبایی است که سردار سپه وعده‌ی از رجال آن زمان در ۲۷ صفر ۱۳۴۲ ق (۱۶ میزان ۱۳۰۲ ش) به کلام‌الله مجید قسم یاد کرده‌اند که با اتفاق و صمیمیت کامل در حفظ استقلال و تمامیت ایران و ترقیات قشونی، سیاسی، اداری، فلاحتی، تجاری و صنعتی کشور بکوشند.

نمونه‌ی دیگر قسم‌نامه‌ی است که دکتر محمد مصدق در